

بروزترین و ابرترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO



درس سوم:



آزادی

عارف قزوینی شاعر و تصنیف‌ساز معروف مشروطه است. صدایی خوش داشت و به همین دلیل مورد توجه مظفرالدین شاه قرار گرفت. با شروع نهضت مشروطه به جمع آزادی خواهان پیوست و شعر و موسیقی را به خدمت انقلاب درآورد. ترانه‌های میهنی او قابل توجه است. شعر آزادی در قالب غزل، نمونه‌ای از اشعار وطنی است که به سلطهٔ بیگانگان و بیدادگری محمدعلی‌شاه اشاره دارد.

**مشخصات شعر: شاعر: عارف قزوینی / لحن: میهنی / نوع ادبی: پایداری / قالب: غزل اجتماعی / وزن شعر: فاعلان، فعلان، فعلان، فعلن
ناله‌مرغ اسیر این همه بهر وطن است مسلک مرغ گرفتار قفس، همچو من است**

معنی: تمام ناله من به خاطر وطن است. پرنده‌ای که در قفس آواز می‌خواند به شیوه‌ی من زندانی، ناله سر می‌دهد.

قلمرо زبانی: مسلک: روش / اسیر: صفتِ مضاف‌الیه / بهر: حرف اضافه / وطن: متمم در جایگاه مستند / این همه: قید

قلمرо ادبی: مراجعات‌نظیر: مرغ، اسیر، قفس، گرفتار / «ناله» استعاره از شعر و سخن شاعر / مرغ اسیر: استعاره از شاعر / مصرع دوم تشییه و تشخیص همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد خبر از من به دفیقی که به طرف چمن است

معنی: از باد سحر یاری می‌طلبم تا شاید خبر گرفتاری مرا به دوستان آزاد و رها برساند! * پیام بیت دعوت به قیام و حرکت است.

قلمرо زبانی: همت: کمک، اراده؛ در بیت به معنی یاری و کمک است. / همت خواستن: یاری طلبیدن / طرف: کناره، کنار / خبر: مفعول

قلمرо ادبی: کمک طلبیدن از باد سحر: تشخیص / باد سحر: نماد پیک و پیام‌رسانی است / به طرف چمن بودن: کنایه از آزاد و رها بودن فکری ای هم وطنان، در ره آزادی خویش بنمایید که کس نکند، مثل من است

معنی: ای هم وطنان برای آزادی خود فکری بکنید؛ و گرنه شما نیز همچو من گرفتار خواهیدشد.

قلمرо زبانی: خویش: مضاف‌الیهِ مضاف‌الیه / هر کس [فکری] نکند: حذف قسمتی از جمله به قرینه لفظی / مثل: حرف اضافه و ادات تشییه خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد زاشک ویران کنس آن خانه که بیت الحزن است

معنی: وطنی که به دست بیگانگان آبادشود، آن را با اشک ویران کن؛ زیرا چنین وطنی خانه غم و اندوه است. (وطن دوستی و استعمارستیزی)

قلمرо زبانی: کاو: که او / ا جانب: بیگانگان، جمع اجنبی / ویران: مستند / «ش» در «کنس»: مفعول / بیت الحزن: خانه غم، ماتمکده

قلمرо ادبی: خانه استعاره از وطن / تضاد: آباد، ویران / بیت الاحزان: تلمیح دارد. (طبق روایات نام کلبه‌ای است که حضرت یعقوب در آن از غم فراق یوسف می‌گریست).

جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن بدر آن جامه که ننگ، تن و کم از کفن است

معنی: لباسی که در راه وطن به خون آغشته نشود؛ آن را پاره کن؛ زیرا چنین لباسی مایه ننگ است و از کفن هم کم ارزش‌تر است. پیام بیت: وطن پرستی و جانبازی در راه وطن است.

قلمرو زبانی: وطن: مستمن / بدر: پاره کن / جامه: پیراهن / «آن جامه»: مفعول / ننگ: رسوابی، بدنامی / غرقه به خون: مستند / او: بدل / کم: کمتر

قلمرو ادبی: کم از کفن بودن: کنایه از کم ارزش بودن

آن کسی را که در این مُلک سلیمان کردیم ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است

معنی: آن کسی را که در این سرزمین به پادشاهی رساندیم و او را چون سلیمان عادل می‌دانستیم، اکنون ملت یقین حاصل کرده است که وی (محمدعلی‌شاه) اهریمنی است که به جای سلیمان بر تخت نشسته است..

قلمرو زبانی: مُلک: سرزمین، کشور، این مُلک: ایران / اهرمن (اهریمن): شیطان / آن کسی: مفعول / سلیمان: مستند

قلمرو ادبی: سلیمان کردن: کنایه از به پادشاهی رساندن / تضاد: اهریمن و سلیمان / بیت تلمیح دارد به بیدادگری‌های محمدعلی‌شاه و ماجراهی حضرت سلیمان و اهریمن (گویند راز فرمانروایی و قدرت سلیمان در انگشت‌تری وی بود که نام‌های پروردگار بر آن حک شده بود). اهریمن به ترفندی آن را به دست آورد و مدتی به جای او بر تخت نشست).

میرزا محمد، متخلص به **فرخی یزدی**، در سال ۱۲۶۷ شمسی در یزد متولد شد. در اوان جوانی به جمع آزادی خواهان پیوست. به جرم سرودن شعری انتقادی، دهانش را با سوزن و نখ دوختند و به زندانش افکندند؛ اما دست از مبارزه نکشید. اشعار داغ و آتشین او در مجلات تهران چاپ می‌شد و مورد استقبال آزادی‌خواهان قرار می‌گرفت. وی در شهریور ۱۳۱۸ شمسی در زندان به طرز مرموزی کشته شد. شعر «دفتر زمانه» از غزل‌های اجتماعی اوست.

هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت

• معنی: همیشه به داشته‌هایم قانع بودم آری به همین دلیل هرگز غمگین نبودم. (توصیه به قناعت و آزادگی)

• قلمرو زبانی و ادبی: «کم و بیش»: تضاد / واژه‌آرایی: تکرار غم و بیش و کم (انسانی) / هرگز و آری: قید // حذف نهاد (دل) به قرینه لفظی

وزن شعر: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن

هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت

در دفتر زمانه فتد نامش از قلم

• معنی: هر ملتی که اندیشمند و متفکر نداشته باشد، در تاریخ فراموش می‌شود.

• قلمرو زبانی و ادبی: دفتر زمانه: اضافه تشبیه‌ی / فتد (=می‌افتد): مضارع اخباری / از قلم افتادن کنایه از حذف شدن، فراموش شدن /

صاحب قلم: کنایه از اندیشمند، ادیب و نویسنده

هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت

در پیشگاه اهل خرد نیست محترم

• معنی: هر کسی که به رأی اکثریت جامعه احترام نگذارد (خرد جمعی را نپذیرد)، در نظر خردمندان، محترم نیست.

• قلمرو زبانی و ادبی: پیشگاه: مجاز از دیدگاه و نظر / جامعه: مجاز از مردم جامعه

با آن که جیب و جام من از مال و می‌نهی است ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت

• معنی: با آن که وضع مالی خوبی ندارم و وسایل شادی من فراهم نیست، اما آرامش خاطری دارم که پادشاهی چون جمشید نداشت.

• قلمرو زبانی و ادبی: مصرع نخست لف و نشر مرتب دارد. لف‌ها: «جیب» و «جام» ← نشرها: «مال» و «می» (انسانی) / جام و جم: جناس

واج آرایی: تکرار «ج» و «م» / فراغت: آسودگی، آسایش (فراقت: دوری) / جم: مخفف جمشید از پادشاهان اساطیری / جمشید جم: تلمیح /

ما را (=برای ما)، ما: متمم

انصف و عدل داشت موافق ثابت بسی ولی چون فرخی موافق ثابت قدم نداشت

• معنی: عدل و انصف طرفداران بسیاری داشت اما هیچ‌کدام مانند فرخی در اعتقاد خود ثابت قدم نبود.

• قلمرو زبانی و ادبی: انصف و عدل: رابطه معنایی ترادف / موافق: هم رای و همراه / داشت و نداشت: تضاد

کارگاه متن پژوهی:

قلمرو زبانی

۱- معنای واژه «همت» را در بیت‌های زیر بررسی کنید.

الف) همت اگر سلسله جنبان شود مور تواند که سلیمان شود (وحشی بافقی)
عزم و اراده

◀ مفهوم بیت: اگر عزم و اراده محرک انسان شود، ضعیف‌ترین انسان‌ها می‌توانند به بزرگی و قدرت برسند.
سلسله: زنجیر، سلسله‌جنبان: محرک، آن که دیگران را به کاری برمی‌انگيزد.

ب) همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس
که دراز است ره مقصد و من نو سفرم (حافظ)
دعا از صمیم قلب، دعای خیر پیر

◀ معنی بیت: ای پیر! در این راه (سلوک عرفانی)، دعای خیر خود را همراه من ساز؛ زیرا راه مقصد دراز است و من مسافری کم تجربه‌ام.
طایر: پرنده / قدس: پاکی / طایر قدس: کنایه از فرشته، جبرئیل

۲ در کدام بیت‌ها، یکی از اجزای جمله حذف شده است؟ نوع حذف را مشخص کنید.

- حذف به قرینه لفظی بنمایید که هر کس **فكري** نکند مثل من است
- " " " بدر آن جامه که ننگ تن و **آن جامه** کم از کفن است
- " " " آری **دل** نداشت غم که غم بیش و کم نداشت
- " " " چون فرخی، **انصاف و عدل** موافق ثابت قدم نداشت
- " " " ما را فراغتی است که **آن فراغت را** جمشید جم نداشت

قلمرو ادبی

۱- کدام یک از ترکیب‌ها و واژه‌های مشخص شده، مفهوم مجازی دارند؟ دلایل خود را بنویسید.

الف) ناله مرغ اسیر این همه بهر وطن است
مسلسل مرغ گرفتار قفس، هم چو من است
معنای حقیقی (پرنده اسیر در قفس)

ب) نشاط غربت از دل کی برد حب وطن یرون به تخت مصرم اما جای در بیت الحزن دارم
معنای مجازی (مجاز از وطن و زادگاه است).

پ) در بیت الاحزان درآمد و نالید؛ چنانچه هر پرنده بر بالای سر یعقوب بود، بنالید
قصص الانیا
معنای حقیقی

۲- با توجه به بیت‌های زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید

با آنکه جیب و جام من از مال و می‌تنهی است ما را فراغتی است که جمشید جم نداشت
هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت
در دفتر زمانه فتد نامش از قلم

الف) درباره تلمیح به کار رفته در بیت اوّل توضیح دهید.

◀ بیت مورد نظر به دوران فرمانروایی جمشید تلمیح دارد. جمشید یکی از پادشاهان اسطوره‌ای ایرانیان است. از دوران پادشاهی وی با نام «عصر طلایی» یاد می‌شود. در این دوران، مردم در آسایش و رفاه و به دور از مرگ و بیماری و بلایا زندگی می‌کردند.

ب) مصراع‌های مشخص شده را با توجه به آرایه «کنایه» بررسی کنید

◀ خالی بودن جیب از مال کنایه از فقیربودن / خالی بودن جام از می کنایه ازنداشتن اسباب خوشگذرانی / از قلم افتادن کنایه از فراموش شدن

قلمرو فکری

۱- شعر «آزادی» نمونه‌ای از اشعار وطنی عارف قزوینی است که به سلطه بیگانگان و بیدادگری محمد علی شاه اشاره دارد؛ با توجه به این نکته معنی و مفهوم بیت‌های زیر را بنویسید:

الف) آن کسی را که در این مُلک، سلیمان کردیم ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است

● آن کسی را که در این کشور به پادشاهی رساندیم و او را چون سلیمان عادل دانستیم، اکنون ملت مطمئن شده است که وی (محمد علی شاه) شیطانی است که به جای سلیمان بر تخت نشسته است.

ب) خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد ز اشک ویران کنش آن خانه که بیت‌الحزن است

● وطنی که به دست بیگانگان آبادشود، آن را باید با اشک ویران کرد؛ زیرا چنین وطنی خانه غم و اندوه است و مایه ننگ.

*پیام بیت وطن‌دوستی و استعمارستیزی است

۲- در متن درس، مقصود از موارد زیر چیست؟

الف) رفیقی که به طرف چمن است: دوستان غافل و بی‌خبر که به فکر جامعه نیستند و لذات و تفریحات خود را دنبال می‌کنند.

ب) مردم صاحب قلم: اندیشمندان (نویسنده‌گان و شاعران)

۳- به غزل‌هایی که محتوای آنها بیشتر مسائل سیاسی و اجتماعی است، غزل اجتماعی می‌گویند؛ در عصر مشروطه با توجه به دگرگونی های سیاسی و اجتماعی، این نوع غزل رواج یافت؛ در سروده‌های شاعرانی چون **محمد تقی بهار**، **عارف قزوینی** و **فرخی یزدی** می‌توان نمونه‌های آن را یافت. از این دیدگاه، متن درس را تحلیل و بررسی کنید.

◀ قبل از مشروطیت، غزل غالباً محتوایی عاشقانه یا عارفانه داشت؛ اما بعد از مشروطه با ورود مضامین سیاسی و اجتماعی چون آزادی، قانون، عدالت، استبداد، بیگانه‌ستیزی، میهن پرستی و... شکلی کاملاً متفاوت پیدا کرد. کاربرد این مضامین در متن دو غزل نیز مشهود است.

۴- فرخی یزدی، در بیت آخر، خود را با کدام ویژگی معرفی می‌کند؟

ثبت قدم بودن در عدالت‌خواهی

۵- با توجه به ادبیات پایداری، مضمون مشترک ایات زیر را بنویسید.

الف) جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن بدر آن جامه که ننگتن و کم از کفن است عارف قزوینی

ب) فرخی ز جان و دل می‌کند در این محفل دل نثار استقلال، جان فدای آزادی

◀ هر دو بیت بر این تاکید دارند که در راه آزادی و استقلال وطن باید از جان گذشت.

در لحظات اوّل عملیات که خطوط ۱ دشمن شکسته شد، پشت سر نیروهای ما ارتفاعات موسوم به «کله قندی»^۳ بود که دشمن با استقرار^۴ سلاح‌های زیادی قله را در دست داشت. ۵ شهید ساجدی^۶ با توجه به اینکه نسبت به همه مسائل آگاهی داشت، روحیه خود را نباخته^۷، احداث یک خاکریز دوجداره را تنها راه حل می‌دانست. با توجه به امکانات محدود مهندسی و دید و تسليط دشمن، قبول و اجرای این طرح خیلی سخت بود. به ویژه که لازم بود در فاصله زمانی شب تا سپیده دم اجرا و احداث^۸ می‌شد ولی ایشان به اجرای این طرح ایمان داشت و با قاطعیت می‌گفت: «خاکریز را صبح تحویل می‌دهیم».

عملیات احداث خاکریز شروع شد. آن شب برادران جهاد و در رأس^۹ آنها شهید ساجدی، آرام و قرار نداشتند. در اوّلین دقایق صبح، احداث این خاکریز هشت نه کیلومتری به پایان رسید و خاکریزی که به کمک دو نیروی مهندسی شروع شده بود، تقریباً در وسط به هم رسیدند و اتمام خاکریز روحیه عجیبی در بین برادران جهادگر و رزمnde ایجاد کرد اما این کار شهید ساجدی را راضی نمی‌کرد. او پیش یینی می‌کرد که با توجه به تسليط دشمن بر ارتفاعات رو به رو و ارتفاعات پشت، امکان زیر آتش^{۱۰} گرفتن بچه‌ها وجود دارد؛ به همین دلیل، مرحله‌دوم کار را شروع کرد. خاکریزی به طول چند کیلومتر در پشت خاکریز اوّل که از آن به عنوان خاکریز دو جداره یاد می‌شود، احداث نمود. آن روز با تدبیر^{۱۱} حساب شده شهید ساجدی، رزمnde‌گان توانستند در برابر نیروهای دشمن مقاومت کنند و به پیروزی رسند.

روایت سنگر سازان^۲، عیسی سلمانی لطف آبادی

◀ قلمرو زبانی و ادبی متن:

۱- خطوط: جمع خط، صفحه سپاه

۲- موسوم: شناخته شده، معروف

۳- کله قندی نام بلندی‌هایی در شمال استان ایلام.

۴- استقرار: برپایی، برقرار و ثابت کردن کسی یا چیزی در جایی، مستقر شدن

۵- در دست داشتن کنایه از:، در اختیار داشتن، مسلط بودن

۶- حاج هاشم ساجدی، اهل دامغان در پنجم آبان ۱۳۶۳ در غرب کشور به شهادت رسیدند

۷- روحیه خود را نباختن کنایه از: امیدوار بودن

۸- احداث: ساخته شدن

۹- رأس: سر، مجازاً اول چیزی، بلندی و بالای چیزی، بزرگ و سرور قوم

۱۰- آتش: مجازاً گلوله

۱۱- تدبیر: عاقبت اندیشه

◀ چند نکته دستوری:

- پشت سر ما ارتفاعات «کله قندی» بود: → «بود» فعل غیر اسنادی در معنی «وجود داشت»

- این کار شهید ساجدی را راضی نمی‌کرد. ← جمله چهار جزئی با مفعول و مسنده. // شهید: وابسته پیشین (شاخص)

- احداث یک خاکریز دوجداره را تنها راه حل می‌دانست. ← جمله چهار جزئی با مفعول و مسنده

- اجرای این طرح خیلی سخت بود. ← این: وابسته وابسته (صفت مضاف الیه) // خیلی: قید

- احداث یک خاکریز ← احداث: هسته / یک: صفت مضاف الیه (وابسته وابسته) // خاکریز: مضاف الیه

- عملیات احداث خاکریز ← عملیات: هسته // احداث: مضاف الیه // خاکریز: مضاف الیه مضاف الیه (وابسته وابسته)

توضیح: مبحث جملات چهار جزئی «مفهولی-مسندی» در پایان درس هفتم و مبحث «وابسته‌های وابسته» در پایان درس‌های هشتم و نهم آمده است.

بروزترین و ابرترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

